



در این شماره:

- امجدیه (۱)
- نازتاب اعمال ضد انقلابی
- و ضد مردمی چاقو داران
- در شهرستانها چه می گذرد...؟
- حمله مسلحانه فتوئدالها
- آتش زدن دکدهی فروش نشریات سازمان

وقتی جلادهای محمد علی شاه، روحانی شجاع و مبارز ملکا المتکلمین را به پای چوبه‌ی دار می‌بردند، برخلاف آنانی که حقیرانه بر پای شاه پناهنده شدند، با صدائی محزون این چنین سرداد: ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما بر قصر ستمگاران تا خود چهره سد خذلان

سرمقاله:

راه خروج از

تنگنا!!؟

داستان عجیبی است و راستی واقعیتها چقدر سرسخت و حقایق چقدر خنده‌ناپذیرند. حقایقی که در تجربه‌ی اجتماعی و تاریخی انسان هر روز، صحت و اعتبار خود را به ثبوت می‌رساند. در سرمقاله‌ی دو شماره‌ی قبل تحت عنوان "عقوبت و عبرت" ضمن توضیحاتی در رابطه با اوضاع و احوال نوار صحت‌های خصوصی دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی و وضع و موقعیتی که به دنبال این مسئله برای حزب پیش آمده، و کوشش‌های مختلف حزب برای درآوردن از این محاصره، گفتیم که این مهم نیست که حزب جمهوری اسلامی در این کوشش موفق بشود یا نه، بلکه مهم چارچوبی است که حزب در درون آن سیر می‌کند. و گفتیم که وضع موجود حزب "فقط یک عقوبت است و عقوبت‌های بیشتر در پیش، مگر اینکه عبرتی گرفته و چارچوب حرکت را از اساس تغییر دهند. اما افسوس که به قول امام علی (ع) "ما اکثر العبر و اقل الاعثار" عبرتها چقدر زیاد و عبرت‌گیرنده چقدر کم است...

و اینک ما پیش چشمان خود آشکارا می‌بینیم که چگونه حزب جمهوری اسلامی با موضع‌گیری‌های خود، یکبار دیگر بر این حقیقت استوار که ضمن عبارت کوتاه فوق در کلام امام بیان شده، صحنه می‌گذارد که "عبرت‌ها چقدر زیاد و عبرت‌گیرنده چقدر کم است". گاهی است نظری به موضوعات و بخصوص به سرمقاله‌های روزهایی اخیر روزنامه‌ی حزب بیندازیم و ببینیم که چگونه به حرکت در همان خط و چارچوب بدفرجام اصرار می‌ورزید و با همان روش‌ها همان روش‌هایی که حزب را به نقطه‌ی کنونی رسانده است - بدون کوچکترین تذکر و کمترین تنبیه‌ی تلاش می‌کند خود را از محاصره‌ی موجود برهاند. منتها این تلاش گدازنی به اینکه حکایت از هیچ تغییری در روش معمولی روزنامه‌ی مذکور نمی‌کند، بلکه حتی از شدت و بی‌پروایی و بی‌تقوایی بیشتری نیز برخوردار شده است، که می‌تواند شاکر سستی و شدت محاصره‌ی باشد که حزب به دنبال عملکردهایش بدان دچار شده است.

بگذارید گوشه‌ای از صحنه را مجدداً از مد نظر بگذرانیم: صحنه‌ی وقتی آغاز می‌شود که روزنامه‌ی انقلاب اسلامی متن اظهارات پنهانی دبیر سیاسی حزب را که مشتمل بر مطالب و حقایق قابل توجهی است، تحت عنوان "طرح توطئه توسط دکتر آیت" منتشر می‌کند. به دنبال آن دبیر کل حزب اظهار می‌دارد که "آنچه آقای آیت گفته است در رابطه با من و دوستانم یا حزب جمهوری اسلامی نبوده، آنطور که خود مطلب نشان می‌دهد مسئله‌ای است که به خود آقای آیت و احبابا" برخی از همکارانش ارتباط داشته است..." (که البته باید توجه داشته باشیم که آقای آیت از بنیادگذاران حزب جمهوری اسلامی، عضو شورای مرکزی حزب، دبیر سیاسی حزب و کاندیدای انتخاب‌شده‌ی حزب در مجلس خبرگان و مجلس شورای ملی است.) دبیرکل حزب اضافه می‌کند که: "ما پس از اینکه این مسائل را از آقای بنی‌صدر شنیدیم، مسئله را با آقای آیت در شورای حزب مطرح کردیم و ایشان نفی کردند و گفتند چنین مطالبی که گفته می‌شود ارتباطی به او ندارد."

در حالیکه دو تن اعضای شورای مرکزی حزب از اظهار نظر خودداری می‌کنند و یکی دیگر از اعضای شورای حزب انتشار مطلب را در روزنامه درست نمی‌داند و اضافه می‌کند که "اگر مسائلی هم بوده، باید در مذاکره حل می‌شد."

روزنامه‌ی حزب بلافاصله فریاد برمی‌آورد که "بس کنید، آقایان بس کنید" و ضمن آن دبیر سیاسی حزب را چنین توصیف می‌کند: "از یکسوی یک آقای بنی‌صدر برای چند نفری در یک مجلس خصوصی حرف می‌زند و از این بد می‌گوید، از بنی‌صدر، از پیمان، از مجاهدین حتی از بهشتی به گنایه نام می‌آورد، خودش را خیلی بزرگ می‌بیند، خیلی متعصب نشان می‌دهد، خیلی قدرتمند وانمود می‌کند..." و اضافه می‌کند: "ببینید، سخنان نوآورانه در نوار خود را بر مادی حزب معرفی کرده است، کسی است که به هیچ روی نظریاتش نظریات حزب نیست..." "البته باز بیاد داشته باشیم که آقای آیت از موسسین حزب و عضو شورای مرکز و دبیر سیاسی حزب است، و معلوم نیست چنین کسلی چگونه نظریاتش نظریات حزب نیست. گویا این آقایان عملکردهای حزب را که چیزی جز اجرایی عملی همین بیانات دبیر-سیاسی نبوده، فراموش کرده‌اند."

از آن طرف خود آقای آیت که قبلاً "در شورای حزب به روایت دبیرکل، مسئله را نفی کرده و گفته بود "چنین مطالبی که گفته می‌شود ارتباطی به او ندارد"، در موضع‌گیری‌های اولیه صحبت از توطئه بر علیه خودش می‌کند و اظهار می‌دارد مطالب نوار حریف و سانسور شده است، و بار دیگری می‌گوید که نوار مونتاز شده است و در نهایت بقیه در صفحه ۲

گزارشی کوتاه از دیدار با اعضای انجمن میثاق

یاران شهید ناصر محمدی پس از آزادی از زندان

همانطور که در گزارشات قبلی آمده بود، در حیطه‌ی سلاح‌های مامورین کمیته‌ی منطقه‌ی ۱۲ با انجمن جوانان مسلمان میثاق، تعداد ۱۶ نفر از اعضای انجمن در نیمه شب یکشنبه ۱۹ خرداد ماه توسط مامورین کمیته‌ی منطقه‌ی ۱۲ بطور غیرقانونی دستگیر و روانه‌ی زندان اوین گشته بودند.

این عده بالاخره پس از ۱۴ روز بازداشت غیرقانونی در زندان اوین در بعدازظهر روز یکشنبه اول تیرماه از زندان آزاد گردیدند.

بود، در مرکز امداد پزشکی مجاهدین خلق بستری شد و زیر نظر قرار گرفتند.

در این روز برادر مجاهد موسی حسابانی پس از آزادی اعضای انجمن میثاق از زندان، در مرکز امداد پزشکی مجاهدین خلق بلفانی با آنها بحث بقیه در صفحه ۲

چند سؤال

پیرامون بازرگانی خارجی و تجارت کشور

تاریخ، روز سوم تیرماه را نشان می‌دهد، ولی هنوز آمار بازرگانی سال گذشته کشور منتشر نشده است. در حالی که علی‌القاعده این آمار می‌بایست، حداکثر تا اواخر مردم قرار گیرد.

"استبداد صغیر" (۲)

محصول توطئه‌ی مشترک استعمار و ارتجاع

به مناسبت سالروز به توپ بستن مجلس و اعدام دو آزادخواه دلیر: ملک‌المتکلمین و صور اسرافیل

مرگ مشکوک

یکی از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان ایالت میسوری آمریکا

جسدی پس خبر رسید یکی از اعضای فعال انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا (مسئول کمیته‌ی خبر) واحد رولاند، در رودخانه غرق شده است. طبق این گزارش در روز حادثه (۱۲ خرداد ماه ۵۹) که محمد طوقی فرار قلمی با دوستان سیاسی برای نجات نام به دانسکده مراجعه می‌کرد، به همراه چند تن از همکارانش جهت شنا به رودخانه‌ی می‌رود، که به علت عدم آشنائی به شنا غرق می‌شود. (محمد در حین تحصیل به یک کار نیمه وقت اسفند داشت) گواهی که از همسان اسفند موضوع کاملاً مشکوک به نظر می‌رسد اما اخبار و شواهد بعدی حکایت از بقیه در صفحه ۲

گودتا: محصول شوم غفلت از دشمن

ایران این روز نهم جمادی الاول ۱۳۲۶ می‌بوسد: ... تلگراف طهران به آذربایجان را دولتمداران قطع نمودند، هر کس با سلاح باشد سلاح او را مأخوذ می‌دارند... مردم در مقابل این اقدامات، دست به خلع سلاح زفافها زده و حواسار خلع شاه از سلطنت شدند. همین بوسنده می‌بوسد: ... تلگرافات متعدد از آذربایجان ورش و قزوین رسید که ما محمد علی میرزا را از سلطنت خلع نمودیم و این حاش را به سمت سلطنت بوشان را سب می‌شد. ناظم‌الاسلام کرمانی بوسنده‌ی تاریخ بیداری بقیه در صفحه ۲

نامه‌ی جمعیت حقوق‌دانان ایران به رئیس جمهور درباره‌ی توفیت روزنامه‌ی صدای آزادی

حبات آقای بنی صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران آزادی طی سانه‌ی به اسحضر همگان و از حمله این جمعیت رسیده است.

در این سانه آمده است که روزنامه‌ی مذکور علی‌رغم آن که دارای اجاره‌ی انبار قانونی است توسط دادستان اغلاب و به دلیل انتشار مضامین که با حجاب‌الاسلام سنج علی بهرامی دانسته است توفیت گردیده و برود بر حوت روزنامه یکی از کارکنان عادی روزنامه سیر به زندان افتاده است تا آن که دارنده امتياز خود را معرفی نماید. آنچه که در سانه مذکور آمده بازرگان و کان دهنده است و ضررهای از این که روزنامه، بازر افکار چه کرده‌ی است باید بدان توجه شود. که اگر رسیدگی به اینها با احتیاط و تخلفات روزنامه‌ها در مسیر قانونی قرار نگردد و این شرایطی که از آن به احتمال و تاند مجرمانه "تعدد مراکز نشر" بعبر می‌شود رحت بر سنده احتیاط آن که قانون اساسی جوان ما به دست فراموشی سپرده شود بعد نیست و چه بازرگان است که در حال حاضر سنده می‌شود که سخا شرمناهم بهه روزیج سرباز سربازکی" در بقیه در صفحه ۲

دست و پای زبان اضافه و سده کوبه‌ی دیگر، آنجا را به سنگینی از ردگی سالم اجتماعی کسانداست. تر نشان فعالیت‌های سیاسی نفس زبان روی هم رسد چه به لحاظ علیرغم تحمل سختی و فشاری پس از مرد، غالباً از ابرس و حقوق کمتری برخوردار است. به علاوه، زبان ایرانی تقریباً فاقد استقلال در سرازات صد دیکتاتوری، حتی پس از پیروزی اغلاب، بنا به دلایل تاریخی و به‌ویژه بدلیل حضور بقیه در صفحه ۲

کلی، در تمام نهادها سیاسی - اجتماعی، زن عضو درجه‌ی ۲ محبوب می‌شود و مردان در مقابل آنها حقوق بسیاری دارند. در خانه و خانواده، زن علیرغم تحمل سختی و فشاری پس از مرد، غالباً از ابرس و حقوق کمتری برخوردار است. به علاوه، زبان ایرانی تقریباً فاقد استقلال در سرازات صد دیکتاتوری، حتی پس از پیروزی اغلاب، بنا به دلایل تاریخی و به‌ویژه بدلیل حضور بقیه در صفحه ۲

صحبت کردن از رهائی زن، بدون پرداختن به مساله‌ی مبارزه‌ی طبقاتی، صحبتی است بی پایه.

جرایان‌های نوی ارتجاعی در نهاد های حاکم، زبان به گئی از سحنه زبان بحمل شده. از میدان فعالیت اجتماعی رانده شده‌اند. در لایه‌های مرفه‌تر، که این سها تحت تاخیر زوایط سرمایه‌داری شکسته شده است، زنجیرهای روابط و ابرس‌های کالائی بقیه در صفحه ۲



بخش دوم - "رهائی"

پس از تمام مطالبی که مورد بررسی قرار دادیم، حال این سوال مطرح می‌شود که چگونه زبان ما باید قید و بندها را پاره کند و با نابود کردن تبعیضات، حقیر تاریخی‌ای را که به زبان روا داشته شده، از بین ببرد و به برابری با مردان - که خواسته‌ی حقوق آنهاست - دست یابد؟







به مناسبت سالروز به توپ بستن مجلس و اعدام دو آزادیخواه دلیر: ملک المتکلمین و صوراسرافیل

### “استبداد صغیر”

## محصول توپخانه‌ی مشترک استعمار و ارتجاع

**کار تکفیر مشروطه خواهان تا بدانجا بالا گرفته بود که آنان را بدتر از “بابی” و “بهائی” می دانستند! حتی به حکم “مشروع”! خواهان، جنازه‌ی دو شهید آغاز جنبش مشروطه را که در مسجد جامع و امامزاده‌ی زند مدفون بودند، بیرون آوردند و استخوان‌هایشان را پراکنده کردند.**

وزیر جنین نوشت: “چون ایجاد مبارز میرزا جهانگیر خان شیرازی مدبر تشریحی صوراسرافیل، و مخمور آگاه و روحانی شجاع، ملک‌المتکلمین بی عیب محاکماتی به دست حلال سیده شدند، باز هم خون یک روسفکر سازز و یک روحانی آزادی‌خواه، در آستان آزادی بر زمین ریخت تا از آن لاله‌های سرح زهانی روید. وقتی ملک‌المتکلمین را به فلکاه می‌بردند، برخلاف آتانی که حذرانه بر پای شاه بوسه زدند و آتانی که بزولانه به سفارت انگلیس آسجین برزاد: “ما بازگه نادیم این رفت سم بر ما، بر فصر سگاران تا خود جدرسد حلال” در همین روز شاه، طی دسخطی به مشیرالطنه، نخست

مردم در مقابل این تهدیدات بطور خوداکنجه و بی هیچ رهنمودی مسلح می‌شدند. ... امروز که دوشنبه ۱۲ جمادی الاول است بازارها به فرار امام سابقه‌سند بود. طرف عصر سده‌ی نگارنده با جناب محمداصلاح مدرس “ندای وطن” و جناب آقای سحیحی، دبیر روزنامه مجلس، وارد مدرسی سپهسالار ندیم، جناب محمداصلاح روزگرنه جماعتی که با اسلحه اسلحه بودند مردم را حریص و برعین نمودند بر آوردن اسلحه، گفت: اسلحه‌ی ملت امروز باید فنگ باشد بلکه اسلحه‌ی شما قرآن و دعا و مظلوسیت است که به زبان قرآن از شاه اسلحه‌ها کشید که قانون اساسی را اجرا فرماید و این چند نفر مقصد را، که همه‌ی شما متعلق به فساد آنها دارید و می‌دانید عداوت به دولت و ملت و مذهب دارید، آنها را خودتان سعید کنید، و با گرفته سلیم دولت نائید، مردم از سیدن این عبارات سغیر شدند و گفتند شما روزنامه نویسیها از سندنین پول گرفته‌اید و این حرفه‌ها را می‌رسد، چون ندیم وضع بد شد فوراً اغذار خواست، در رهنه و آمدیم به جامعهای خود، خداوند رحم کرد به ما... (همان کتاب ص ۱۵۵)

پس از این مدت وکلای مدین ملت و دولت منسحب شده، با مجلس سا، موافق قانون اساسی، پارلمان مفعول شده، مشغول انظام گردد. ... آری شاه قاجار نیز، همچون همه مرجعین تاریخ، انجمن‌ها و روزنامه‌ها و ناطقین را “اسباب هرج و مرج می‌دانند و قداره‌کنی و کودنای نظامی اش را گامی در جهت حکومت “معدودی از عقلا” به حساب می‌آورد! از این پس حاکمیت سیاه استبدادی خشن آغاز می‌گردد. حمله به انجمن‌ها مراکز و حتی خانه‌های آزادیخواهان، کار هر روزی قزاقان و قداره‌بندان می‌گردد. مال هر کس را که به مشروطه خواهی معروف است به بنیما می‌برند. بسیاری از فرصت طلبان که تا دیروز سگ مشروطه را بر سینه می‌زدند امروز به نوکری شاه افشار می‌کنند. اوپاسی قداره‌بند و برخی مردم ناآگاه و حرکت شده، هر روز جمع می‌شوند و بر علیه مشروطه شعار می‌دهند: “مجلس شورای ملی نالند برکنده‌یاد سع استبدادیان تا اسد برده‌یاد” روز سینه پنجم جمادی الاخری وکلای مسمم برای زیارت شاه به باغشاه می‌روند. شاه همچون همیشه اقدامات وحشیانه‌ی خود را در سرکوب آزادیخواهان، از روی اسلام دولتی و خداپرستی قلمداد می‌کند و می‌گوید: “از وقوع این وقایع ناگوار خیلی مسافت می‌باشم و حاضر شده‌ام که سلطنت خود را روی این کار بگذارم، لکن چون ندیم دین اسلام صفت شده، راضی نشدم که در تاریخ بنویسند در عهد محمد علی‌شاه، اسلام از ایران

بازماند

با سارزهی طبقاتی راضی نگانگد دارد. بدان معنا نیست که با ندوام سارزهی طبقاتی “خودخود” مسالهی زبان نیز حل خواهد شد، بلکه بدان معناست که بدون برداشتن به اسر سارزهی طبقاتی، نمی‌توان شکل خاص سارزهی زبان را برای رهائی، سازمان داد. باید پایه‌های پیوسته اسر سارزهی طبقاتی، آگاهانه سارده برای بی سببها و ایزشها و همچنین روابط خاص حاکم برسروست زبان را نیز تحقق بخشید.

این مسالهی کلی در حیران عمل اجتماعی به این شکل تحقق می‌یابد که ضمن سازمان دادن کارگران و رجمکنان در صفوف منسکل، بوسه وجود آوردن سازمان‌ها و احزاسی که این طبقه را چه مرد و چه زن بطورکلی دربرگیرد و سارزهی آنها سمت دهد، باید سازمان‌ها و انجمنهای خاص نیز وجود آید که بطور سوسره زنان رجمکنان را در برگیرد و ضمن سازمان دادن سارزات آنها به تدریج حقوق ازدست رفته‌شان را به آنها بازگرداند (مسالهی که بعدها بطور خاص به آن خواهیم پرداخت). در اینجا الزاما باید آوری سک

نکته نیز لازم و ضروری است، بسیاری از افراد بدلیل درک نکردن عمق سارزهی اجتماعی، جنین می‌اندیشند که اصولا ندوام اسر سارزهی بدون تلاش برای ترک دادن همه‌جانبه‌ی زنان در آن، امکان‌پذیر است. سه عبارت دیگر، آنها فکر می‌کنند که مردان می‌توانند سارزهی را پیش برند، ولی “بهنتر است” زنان را هم در مبارزه شرکت دهیم. این طرز تفکر مخصوصا در زمان ما که با شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر، شرایط عینی اجتماعی برای بقی کامل استمرار آماده شده، اندیشه‌ی است عصب مانده‌ی که به هیچ‌وجه به درد انقلاب در این دوران نمی‌خورد.

درواقع ساله این است که ندوام سارزهی ضدامپریالیستی و ضد استعماری، شرکت فعال و همه‌جانبه‌ی زنان در انقلاب را اجتناب ناپذیر می‌کند. تا آنجا که بحق می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین اصالت و حفاظت یک انقلاب و حرکت آن بر سر صحیح تاریخی، هماسا درجه‌ی شرکت زنان در صفوف انقلاب می‌باشد.

(ادامه دارد)

## زن در مسیر رهائی

(۱۲)

**تمام برداشته‌های شرکت‌آلودان، اسلام که به دلیل وابستگی‌های طبقاتی تئوریسین‌هایش، جوهر ضد استعماری این دیدگاه را درک نکرده و تحققی جامعه‌ی بی طبقه‌ی توحیدی را در افق تاریخی نیبند، هرگز قادر نخواهد بود و واقعاً حقوق تاریخی زن را تأیید و تصدیق کند.**

۱- نابرابری‌های موجود در جامعه بین زن و مرد، ناشی از خلقت خاص زنان نیست. نه عوامل بیولوژیکی، و نه یک سری علت‌های ناشناخته و سانسوزیکی، هیچ‌یک اجباب نمی‌کنند که این ستم بر زن روا باشد. بنیانات دیگر، نابرابری، سروست محوم زنان نیست.

۲- در تاریخ، دورانی هم بوده که زنان از حقوق اجتماعی مساوی با مردان برخوردار بوده‌اند.

۳- مناسک اسلگیری نابرابری بین زنان و مردان، نظام‌های ترک-آلود طبقاتی می‌باشد.

۴- در نظام‌های گوناگون طبقاتی، از برده‌داری تا سرمایه‌داری و مرحله‌ی رشد یافته‌ی آن، یعنی امپریالیسم و سیر در جوامع واسه‌ه امپریالیسم، هرچند شکل تبعیض و تحقیر و سابع شدن حقوق زنان متفاوت است، ولی در تمام این نظام‌ها واقعیت تبعیض بین زن و مرد به نفع مردان، مشترک است. حتی ادعای آزادی‌کردن زن و اعطای حقوق مساوی به زن و مرد در جوامع سرمایه‌داری، ادعا و فریسی ستم نیست.

۵- وجه مشترک تمام دیدگاه‌هایی که توجیه‌کننده‌ی روابط نابرابر حاکم بر جوامع به ضرر زنان می‌باشند این است که این دیدگاه‌ها به عنصر حسیت در مقابل جوهر مشترک انسانی زن و مرد بهائی بیخی از حد می‌دهند، به عبارت دیگر، قبل از اینکه توجه کند که این فرد، “انسان” است، از این زاویه نگاه می‌کند که آیا او زن است یا مرد.

۶- مسالهی احقاق حقوق زنان موضوعی است همه‌جانبه و مربوط به

تقیه‌زصفحه‌ی اول

زن وجود دارد. یعنی ۵۰٪ جمعیت ایران (زنان) فقط ۲۰٪ ساند به مجلس فرماداند. جنین در درون سازمان‌های انقلابی، منسجله سازمان ما، هر چند در سارزهی موارد مسئولیت‌های مهم سیاسی، نظامی، سکلانی و اجتماعی بنفذه‌ی زبان است و علیرغم این که تقریبا بدون توجه به حسیت، صلاحیت‌ها معیار و اکادری مسئولیت می‌یابد، ولی هنوز در درون همس سازمان‌ها هم، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی، زبان با احراز وضع برابر با مردان فاصلهی زیادی دارند.

از طرف دیگر با توجه به این واقعیت که در مبارزات خلق‌ها در کنار احزاب و سازمان‌های گسترده‌ی سیاسی که در برگیرنده‌ی فعالیت‌های سیاسی تمام رجمکنان (اعم از زن و مرد) در سارزه‌ی امپریالیزم می‌باشد، انجمن‌ها و سازمان‌های خاص زنان نیز لازم و ضروری است، تا نگاهی به صحه‌ی فعالیت‌های سیاسی جامعه‌ی خودمان منوجه می‌نوم که تقریبا جای شکل‌های خاص زنان حالی است، این خود به‌طور عینی و ملموس می‌تواند یکی از وجوه عقب-ماندگی سیاسی زبان را در جامعه‌ی ما به خوبی نشان دهد. عملا “انجمن‌ها و سازمان‌های ویژه‌ی زبان در جامعه‌ی ما مراحل کالبا” فقدماتی را طی می‌کنند.

چگونه باید این فاصله‌ها را بر کرد؟ چگونه باید زن ایرانی را از قید تحقیر تاریخی رها نمود؟ زبان آگاه جامعه‌ی ما، که از تمام اسن نابرابری‌ها رنج می‌برد و می‌خواهد با حرکت خود آغازی باشد بر پایان تمام این کاستی‌ها، با چه شیوه‌هایی باید وارد میدان شوند؟ شیوه‌هایی که به دور از ذهنیت و روماسیسم، و به دور از ادعاهای بزرگی که چون سنگ بزرگ علامت نژودن است، و با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و نیز در مسیر تحقق آرمان برابری زبان و مردان، واقعا “راهی پیشپای زنان جامعه‌ی ما باز کند و مبارزات خاص آنها را در رابطه با حرکت تمام خلق هدایت کند؟ قبل از برداشتن به پاسخ، یک بار دگرچکیده‌ی بخش قبلی بحث، یعنی جریان شکل‌گیری تاریخی نابرابری‌ها و تغییر شکل آن را از نظر می‌گذرانیم:

تقیه‌زصفحه‌ی اول

۱۲۸۷ و بالاخره روز دوم سیر ۱۳۲۴) کودنای نظامی محمدعلیشاه، بدست لیاخوف روسی - فرماندهی بریگاد قزاق - به نمر رسید. قزاقها، مجلس و مدرسه‌ی سپهسالار را محاصره کرده و مانع از ورود و خروج افراد به منطقه شدند. در این روز تاریخی، سرحی از نمایندگان سکر ملت راحالی گداشته و از سوس به لانه‌ی خزیدند و محاهدین و عده‌ی دیگری از نمایندگان وظیفه‌ی حراست از این سکر را به عهده گرفتند.

### سنگر ملت در چنگال استبداد

در آیدای کار، آزادیخواهان، اگر چه اندک و در محاصره بودند، نوانسند نیروی قزاق را به عقب نشاند و چند عراده توپ را نیز به تصرف درآوردند ولی به دلیل مساعدت سران و زعماء از نیراندازی به سوی اسران و سربازان روسی، نیروی قزاق مجددا پیش آمده و مجلس را - که لیاخوف آتیناهی دزدان و رشوه - خواران می‌یابند - به توپ بستند.

بالاخره پس از حدود سه ساعت درگیری، و شهادت و جراحت دهها مشروطه‌خواه، مجلس به دست نظامیان و راحالهای درباری افتاد و به ویرانه‌ی غارت‌زده‌ی تبدیل شد. سادفاندینی و عدم آمادگی سران جنین و فقدان یک نیروی منسکل و مسلح مردمی، باعث شد که سنگر ملت به آسانی سقوط کند. ... اگر دیروز ملت استعمال اسلحه کرده بودند و یا مسیوق به خیال درباریان شده بودند، البته غالب می‌شدند و عده‌ای از سران جنین و نایبندگان مجلس به اسارت افتادند و با نوهین و تحقیر فراوان به باغشاه - مقر شاه جلا - منتقل شدند.

نابلوها را بردند در مدرسه‌ی سپهسالار و مدرسه را به عمارت بهارسان وصل نمودند. چند نفر قزاق را هم از فنگ و اسلحه عاری ساختند. دگاکین را خواستند ببندند، مجلس صلاح ندید... (ص ۱۴۲ جلد دوم تاریخ بیداری). اما رهبران جنین هنوز سواری “اصلاح امور” و کنار آمدن با شاه را در سر داشتند. “جناب آقای سید عبدالله در این روز (بازدهم جمادی الاول) خطابه‌ی قرائت نمود به این مضمون که: ما در مقام اصلاح می‌باشیم و عملاً قریب اصلاح خواهیم نمود. مردم قزاقان کردند که هرگز ما اصلاح نخواهیم نمود و جز عجز و انفعال این شاه دیگر علاج و جاره نمی‌باشد. یکی از حاضرین قداره کشید که حکم خودش را باره کند، مردم او را گرفتند و مانع شدند (همان کتاب ص ۱۴۳).

مردمی که در گرداب خونناک نخر و بحر سومی و حشناک دست و پا می‌زدند و از فرط گرسنگی در فوجان، دحدر خود را می‌فروختند (ص ۹۱ همان کتاب)، سلیمان آستان با خوشی جنابان و اصلاح طلبان در یک جوی می‌رفت. حرکات خوداکنجه‌ی خود - فتوالتی در گیلان اوج گرفته بود. مردم مزدوران زمینداران بزرگ را خود محاکمه می‌کردند، تخلای می‌زدند و اقدام می‌کردند. جنین با فاطمک دولت دسحوس محص و آتوب و اغراض بود. اما در بهار سران جنین می‌خواستند شاه را به راه سارورد. ... مردم محض به وکلا و علما می‌دادند و یک باس و حرمان نوال‌عماده در مردم مشاهده می‌شد. سب را اسفانار نودیم، جواب دادند مجلس از انجمن‌ها نماینده خواست، پس از حاضر شدن نمایندگان آنا سید عبدالله گفت: صلاح انجمن‌ها در این است که سفری شوند و بروند تا ما خود اصلاح کنیم مردم قبول نکردند. نفی‌زاده که از وکلا، آزادیخواهان بود گفت ما اسطور صلاح می‌دانیم که معلا سفری شوند و اگر کسی گفت نخواهیم رفت اساسی آنها را می‌نویسیم تا بعدها در تاریخ بنویسند بر باد دهنده‌ی ملت این جماعت بودند. سزاراندوله رئیس مجلس گفت: ما امروز وکیل سی‌کرور نفوس می‌باشیم. شما که اینجا جمع شدید منسها ده هزار نفر می‌باشید، قول شما حجت نیست، بلکه می‌گوئیم هر کس که مخالف است قول ما را بنماید... ما آن کس را دشمن خود و مملکت می‌دانیم شخصی خدمت آقای طباطبائی عرض کرد: آقا سکرار دیروز فرسودید اگر کار اصلاح شد ما می‌آئیم نزد شما می‌نیمیم، فرولا می‌فرماید بروید حضرت آقا فرمود این فتوالتی موقوف! ما اسطور صلاح می‌دانیم که شما در اینجا توفیق‌کنید... (همان کتاب ص ۱۴۴).

### نرمش رهبران مانع از تسلیح توده‌ها

اما مردم که بخوبی بوی ستم‌نویس توپخانه‌ی کودتا را احساس می‌کردند، دست بردار نبودند. کسب و کار تعطیل شده بود. اعلامیه‌های متعددی از طرف مردم پخش می‌شد که در آن ضمن افشای رژیم شاه، به سربازان و قزاقها هشدار داده بودند که از مقابل با مردم اجتناب کنند.

شاه در کرج اردو زده بود و خود را آماده‌ی سرکوب ملت می‌کرد. دولت‌های روس و انگلیس و فرانسه و عثمانی نیز به حمایت از شاه برخاسته و مجلس و مردم را متهم به تارشیگری می‌کردند. کشیهای جنگی روسیه نزاری به حمایت از شاه مزدور، در آتیه‌ی بندرانزلی لنگر انداخته بودند.



نگاهی به اخبار و رویدادها

امجدیه (۱) بازتاب اعمال ضدانقلابی و ضد مردمی چماقداران

سالهای چماق‌داری که از بعد از انقلاب، علیه نیروهای انقلابی بکار رفته و گاه با حمایت بعضی پاسداران برخی کمیته‌ها و ... انجام می‌گرفت، در جریان مراسم روز پیمائش (۲۲/ خرداد) در ورزشگاه امجدیه منطقه اوج خود رسید. در این جریان، یک نفر شهید و صدها نفر زخمی و مائت‌العضو، دست‌آورد قداره‌بندان و اخلاف چماق‌داران آریامبری بود. این اعمال شنیع و ضد انقلابی، بازتابی وسیع در میان توده‌ها داشت. گروه‌های مختلف مردم این عمل را محکوم و عاملین آنها را ایدئولوژیست‌های ارتجاع خواندند. در پی این ماجرا، این سوال پیش از پیش مطرح شد که چرا مسئولین مملکتی از معرفی و دستگیری این مزدوران از خدای بی‌خبر، خودداری می‌کنند؟ و بهتر از این، چرا علی‌رغم اعلام آمادگی سازمان مجاهدین، مبنی بر معرفی سردمداران و دست‌اندرکاران این پدیده آریامبری در یک برنامه تلویزیونی، مانع این افشاکاری می‌شوند؟

به هر حال بازتاب تودهای محکوم کردن چماق‌داری و ژ-۳ کتی علیه یک مراسم قاسمی، این بار آنگاه عمیق و وسیع بود که اکثر مقامات و شخصیت‌های ملی و مذهبی و سیاسی علیه آن موضع‌گیری نمودند و صریحاً چماق‌داران و سردمداران را مائت‌العضو و وحدت و یکپارچگی مردم، خائن به اسلام، ناقض قانون اساسی و بر ضد خط انقلاب و امام معرفی کردند. طبیعتاً این جزئی از راه‌آورد خون‌کاسی بود که در این راه جان باختند و هزاران زخمی، دست‌وپا شکسته و چشم از دست داده‌ای که در این راه فداکاری کردند و ...

پس حال که دیگر هیچ فرد صادق و بی‌غرضی نمی‌تواند مدعی شود که عاملین این جریانات، از افراد صادق و در خط انقلاب و امامند! و در شرایطی که مردم به ماهیت ضد مردمی آنان پی برده اند انعکاس محکومیت این مساله سطح وسیعی از جامعه را در بر گرفته است دیگر شایسته نیست که مسئولین و دست‌اندرکاران صرفاً در حرف به محکوم کردن این گونه اعمال بپردازند. بلکه باستی به این خواسته بدحق و مردمی که "عاملین چماق‌داری معرفی و محاکمه گردند" پاسخ مثبت داده شود. تا به این ترتیب خلق قهرمان ما عوام‌فریبان و مزدوران را از نیروهای صادق و انقلابی باز شناسد و به این مساله حاد اجتماعی که ماهیست به عنوان یک بیماری، گریبانگیر انقلاب ما شده است، خاتمه داده شود.

ما در این قسمت برخی موضع‌گیری‌ها را از زبان افراد و شخصیت‌های مختلف نقل نموده و در شماره بعد، توجیهات مرتجعین را از این اعمال نامردمی خواهیم آورد، تا خلق خود به قضاوت بشیند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که گرچه عملکرد ژ-۳ بدستان در حمایت از چماق‌داران، از نظر همه محکوم و مرفود است، ولی باید اذعان داشت که بسیاری از عملکردهای آنان - نه ناشی از ماهیت خودشان که از ماهیت جنگ طلبانه، احمق‌طلبان و خودکامگانی ناشی می‌شود که این جوانان را در جهت اهداف غیر مردمی خود بکار می‌گیرند.

● تلویزیون (۲۲/۳) - مصاحبه با آقای مهندس میرسلیم در مورد زد و خوردهای امجدیه - مهندس میرسلیم: ... اولاً باید با کمال تأسف بگویم که آنچه دیروز اتفاق افتاد، برای جمهوری اسلامی موجب تأسف و ترم‌آزار است. ثانیاً ... این مراسم با اجازه فیلدی وزارت کشور انجام گرفته ... برای اینکه بتوانیم به بهترین نحو، امنیت را هنگام برگزاری مراسم حفظ کنیم و نظم بهم نخورد ... قرار بر این شد. محیطی که محصور باشد در نظر گرفته شود و این محیط را استادبوم امجدیه در نظر گرفتیم ... در این رابطه، از نظر انتظامات، با توجه به این که هفته‌ی پیش برادران پاسدار کمیته‌ها درگیری داشتند با گروه‌های سیاسی ... قرار بر این گذاشتیم که بطور مستقل مأمورین شهربانی، انتظامات خارجی این برنامه را به عهده بگیرند و انتظامات داخل خود استادبوم را هم مسئولین انتظامات داخلی سازمان مجاهدین خلق، و به همین ترتیب هم رفتارند ...

● رادیو ایران (۲۲/۳) - اطلاعاتی روابط عمومی سیا - پاسداران در رابطه با مینینگ سازمان مجاهدین خلق در

اروسن حری مجاهد

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

آزاد شدن غفور موسوی

تربت حیدریه: ساعت ۷ بعدازظهر روز ۵۹/۳/۲۷ غفور موسوی انترن بیمارستان مصدق مشهد پس از بیست روز اسارت غیرقانونی که با تحریک برجین و توسط سپاه پاسداران تربت حیدریه صورت گرفته بود، با قید کفالت یک میلیون ریالی آزاد شد. غفور در جریان رسیدگی به جرحین و وقایع چماق‌داری تربت حیدریه از سوی انجمن پزشکان و دندان-پزشکان و دارو سازان مسلمان به بیمارستان تربت حیدریه اعزام شده بود.

جاده کرگان، حمله مسلحانه نفوذ االها به روستای "چارده"

چندی پیش اراضی چند نفوذال، توسط هیئت ۵ نفره رسیدگی به وضع زمین بین کشاورزان روستای "چارده" کرگان نسیم می‌گردد و روستائیان نیز یک شورای ۱۵ نفره را جهت اداره زمین‌ها انتخاب می‌نمایند. بدستال آن در روز چهارشنبه (۳/۲۸) عده‌ای مهاجم مسلح به سلاحهای سرد و گرم سه سرکردگی چند تن از نفوذالهای محل به ۵ نفر از اعضای شورای اداره‌کننده زمینها حمله می‌نمود، روستائیان به حمایت از نمایندگان خود به دفاع از آنان می‌پردازند. مهاجمین شروع به تیراندازی می‌نمایند که در اثر آن، یکی از اهالی مورد اصابت گلوله‌گشت علی‌اکبر کشیری (یکی از نفوذالها)

نمایش "ویدئوی" سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی

روز سه‌شنبه ۲/۲۷ سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی تحت عنوان "چه باید کرد؟" از طریق

سئول سپاه پاسداران لانهی جاسوسی ... ما فقط برای حفاظت از لانهی جاسوسی تیراندازی کردیم و کاری به بیرون محیطی امجدیه نداشتیم.

سخنکوی سپاه پاسداران: البته این سوال مطرح است که بر علیه سپاه شغراهی داده می‌شد و اینکه چرا برادران سپاه صبر نکردند؟ زمانی که در صحنی درگیری هستیم و تیکه‌ها مارک آمریکایی، فالانز و فاسیم را می‌زنند ... برادران سپاه از این مسئله بیشتر رنج می‌برند ... چند برادران پاسدار می‌نویسند و اینکه باشند و صحبت نکنند و ما تیکه نکرده دادیم می‌تواند و برادران هم رعایت می‌کنند ولی یک حالت طبیعی است که انسان عکس‌العمل نشان بدهد ...

● رادیو ایران (۳/۲۷) - نظر یکی از پاسداران: ... قرار بود ما دخالتی نکنیم و دخالتی هم نکردیم ولی بعد مثل اینکه شهربانی می‌گوید من نمی‌توانم از لانهی جاسوسی حفاظت کنم ... پس ما یک نیرویی فرستادیم ... بعد وقتی تظاهرات می‌شود، طبیعتاً می‌ریزند، این طرف پیاده‌رو درگیر می‌شوند ... پاسداران هم برای دور کردن آن‌ها از دیوار شروع به تیراندازی می‌کنند ... ناگفته ماند که نوی "حنیشی‌ها" هم مسلح بودند ... یک نفر مسلح به کلاشینکف و یکی هم به بوری ...

این‌ها (نیروهای شهربانی) گاز - استک‌آور داشتند که "حنیشی‌ها" گاز - استک‌آور این‌ها را از نوبه ماشین برمی‌دارند که ببرند. بچه‌های پاسدار می‌ریزند و از دستشان می‌گیرند ... آن کسی (هم) که تیر خورده، در درجه داشته تیراندازی می‌کرده به مردم، و چون بالا بوده تیر خورده است.

● کیهان (۳/۲۴) - اطلاعاتی مهندس میرسلیم (معاون وزارت کشور و سرپرست شهربانی) در باره

چندین میرسلیم: ... مشخص شده که "فستک" مربوط به ۳- بوده و در مورد شبه هم مسئول بررسی هستیم و اعلام خواهیم کرد که از چه اسلحه‌ای ... بوده است ... در برنامه پیش‌بینی شده بود که کسی که وارد استادبوم می‌شود بازبندی بدی نباشد که اگر اسلحه‌ای یا خودشان همراه داشته باشند دستگیر شوند و این بازرسی بطور دقیق انجام گرفت ... و بطوری که می‌دانید در داخل (امجدیه) تیراندازی شد ... خبرنگار: حالا خود شما فکر می‌کنید که اگر سپاه کلا "آجا" نبود، چه پیش می‌آمد، یعنی زد و خورد بیشتر نمی‌شد، آنجور که مردم داشتند هم‌دیگر را از بین می‌بردند. یعنی کشتار با زخمی بیشتر نمی‌شد؟

مهندس میرسلیم: به نظر من اگر سپاه در این جریان دخالت نمی‌کرد، مقدار زخمی‌ها به مراتب کمتر می‌شد و "کشته‌خما" نمی‌داشتیم و می‌توانستیم با تدبیر تعدادی از کسانی را که محرک این برنامه بودند دستگیر کنیم ... خبرنگار: خوب اگر کسانی - استفاده می‌کردند و به طرف جاسوخانه حمله می‌کردند و آنطور که اطلاع داریم آنجا را مین‌گذاری

رویدار

آشنی زدن دکه‌ی فروش نشریات سازمان

ساعت ۲۰ و سی و پنج دقیقه با یاداد پیمائش (۲۹/۳) دکه‌ی تازه‌ساز هواداران واقع در محله‌ی پایین بازار رودبار توسط افراد معلوم‌الحال به آتش کشیده شد که با کمک اهالی و مأمورین شهربانی، حریق خاموش گردید. این دکه هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته بود.

درگذشت یکی از دانش‌آموزان هوادار در روستای "انداده‌ی" سبزوار



روز ۱۶ خرداد یکی از دانش‌آموزان هوادار ساربان، دنام حسن انداده‌ای که در روستای انداده از توابع بخش جویس شهرستان سبزوار، با فقر و محرومیت زندگی می‌کرده است، در جریان قسم نعت بین مردم و تحویل آن به حمام روستا لباس آغشته به نفت شده و آتش می‌گیرد و مناسقه پس از ۲۴ ساعت فوت می‌کند. او در این هنگام ۱۸ سال داشت. حسن دانش‌آموزی زحمکن و فداکار و مردم‌دوست بود که به همین خاطر هنگام تحویل نعت کتلیق بستنداد جویس جهت رفاه مردم انجام می‌داد. دچار این سانحه شد. حسن در جریان زلزله‌ی فاین، همراه دیگر برادران هوادار سازمان، جهت جمع‌آوری امانه و دارو، و همچنین در مجالس انتخابات مجلس فعالانه برای کاندیدای سازمان تلاش می‌کرد.

نمایش "ویدئوی" سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی

روز سه‌شنبه ۲/۲۷ سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی تحت عنوان "چه باید کرد؟" از طریق

کرده‌اند، تعداد کسبه‌ها را در ترمینال پندس میرسلیم ... برادران پاسدار می‌نویسند داخل خود بخارت مستقر باشد و اگر کسی می‌خواهد بیاید آنجا ... بسوی روستی داخل بخارت می‌رود براندازی می‌کنند تا سگه در خارج نظر مردمی که داشتند رد می‌شدند براندازی می‌کنند ... خبرنگار: ... بدلیل جاسوسی جاسوخانه ... حضور "اصلاً" شهربانی و وزارت کشور قبول کردند که آنجا را بدست این سازمان بدهند.

مهندس میرسلیم: اصلاً برای ما این جاسوخانه حساسیت زیادی ندارد و تا حالا هم مراسم زیادی برگزار کرده‌ایم آنجا ... سایرین، این بنانه به نظر من قابل قبول نیست و باید رد شد ... خبرنگار: پارس (۲۲/۳) - حاج سید احمد حسینی برامون درگیری امجدیه هست ... حلی در مذاک است ... آخر ترم ندارد که عده‌ای ... توسط عده‌ای حرکت شوند و به جان عده‌ای که می‌خواهند به یک سخنرانی گوش دهند هجوم کنند ... بطور اکر به نماز جمعه حمله شود فوراً شناسایی می‌شود و می‌دانید چه کسی هستند ... "حزب فقط حزب الله" اگر معنایش ردن است که آبروی الله را برده‌اند. مرگ بر این فکر ... راسی جزا مسئولین ساکنند ... امام فرموده‌اند اظهار عقیده آزاد است مسئولین می‌گویند اظهار عقیده آزاد است، پس چرا این قضایا اتفاق می‌افتد؟

● انقلاب اسلامی (۳/۲۴) - سرافال - اما ما ... چگونه بازگو کنیم درد دلم را ... وقتی نام حزب‌الله و روح‌الله را بر زبان این اوباش بی‌عزت جاری می‌کنیم چگونه آسوده نشینیم ... غیر قابل تحمل است وقتی حزب‌الله، گروهی مفهده‌جو را ندای می‌کند، اما ما، ارکان عالم می‌لرزد وقتی با نام

قدس "الله" صریحاً حقایق با سگی به ناحق بر سر آن ... فردی می‌آید ... با یاداد (۲۸/۳) - اطلاعاتی ۳۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی در رابطه با حمله به اجساج امجدیه: ... ما سوچه به اصل آزادی بیان در ناسن اساسی ... و ما سوچه به توصیه‌های مکرر امام سنی بر لزوم حفظ وحدت و یکپارچگی انسان ملت و سوچه به اینکه منطبق حقا و حقایق تاریخی بر هم رن اجساعات قانونی به هر شکل محکوم است ... مانند هر که زودتر عاملین و محرکین این‌گونه اعمال در هر مقام و مرتبه‌ی که باشند به کفر برسند ...

از علاقمندان تقاضای خود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پیچ شیراز واریز نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶- شماره ۶۴/۱۵۵۱ ارسال دارند.

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱